

بسمه تعالی

زبان حال یک مادر داغ دیده*

چرا ترکم نمودی، جان مادر؟
زدی آتش بجانم، جان مادر
نمودی ترک من ریحان مادر
سفر کردی از این، کیهان مادر
نمی کردی رها، جانان مادر
زمرگ نا بهنگام، جان مادر
زدی برهم سرو سامان مادر
کجا رفتی تواز، دامان مادر؟
بهشت عنبرین، رضوان مادر
که چون جانش بُدی، ای جان

به سر صورت زده، ریحان مادر
نمودی دوستان، گریان مادر
بکردی کلبه ام، زندان مادر
عصایم گردی، ای جانان

که خون شد جاری، ازچشمان

حسین جان طفلک شادان مادر
چه دیدی از من آواره آخر؟
چه زیبا طفلکی بودی کنارم
ندیدی از جهان چیزی عزیزم
چه میشد گر مرا، باخود ببردی؟
پدر را نورچشم، بریان نمودی
به یکباره نمودی، ترک خانه
غزل خوان بلبل گلزار بودی
علی اصغر(ع) ترا دعوت نموده
نکردی رحم، بر بابای بزرگت
مادر

بزرگ مادر هم از داغ فراق
فگندی اقربا درمجمـرغم
به رضوان الهی، رفتی جانم
به فکرم بود که در ایام پیری
مادر

بکن بس "حیدری" نوحه سرائی
مادر

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۱۰، ۰۲، ۲۰۱۲، سدنی

*- این سروده دررثای سائل حسین جان طفلک هشت ماهه زیبا، خوش خلق و بلبل خوش الحان خانواده، که بتاريخ نهم فبروری بدون داشتن کدام مریضی قلبی به اثر سکتۀ قلبی جهان فانی را وداع گفت سروده شد بدینوسیله تأثرات

عمیق و قلبی خود را خدمت مادر داغ دیده و مصیبت رسیده اش خانم فایزه جان "فنیاد"، پدر بزرگش محترم الحاج آقای سمیع "فنیاد" و باقی فامیل های مصیبت رسیده ابراز داشته و از دربار ایزد مٔان صبر جمیل و اجر جزیل برایشان استدعا داریم. ما از خداوند(ج) هستیم و بازگشت همهء ما بسوی اوست.